

نحوه‌ی وقف بر کلمات

اهداف درس

- انتظار می‌رود در پایان این درس دانش‌پژوهان عزیز بتوانند:
۱. چگونگی وقف بر کلمات قرآن را تبیین کنند؛
 ۲. معنای هریک از علامت‌های وقف را بیان نمایند؛
 ۳. دانش به‌دست‌آمده را در قرائت قرآن به کار بسته و در مواضع وقف آیات را با مهارت کافی، صحیح و روان تلاوت نمایند.



تاکنون بسیاری از بایسته‌های قرائت صحیح و روان آیات قرآن را آموخته‌اید؛ کیفیت قرائت کلمات قرآن با ترکیب صامت‌ها و مصوّت‌ها با کمک نشانه‌های پرکاربرد و قواعد لازم؛ حال با توجه به ممکن نبودن تلاوت پیوسته‌ی همه‌ی آیات قرآن و احتیاج قاری به توقف، نحوه‌ی وقف بر کلمات قرآن را تبیین می‌نماییم. پس از آن علائم وقف و معنای هریک را توضیح داده، با ارائه‌ی تمرین‌های عملی هدفمند شما را در کسب مهارت افزون‌تریاری می‌دهیم.

چگونگی وقف بر کلمات

قاری قرآن نمی تواند تمام قرآن را با یک نفس و بدون توقف تلاوت کند، از همین رو گاهی نیازمند وقف (توقف) در پایان یک کلمه است. در قرائت قرآن برای وقف، احکام خاصی وجود دارد که در این درس با آن آشنا خواهیم شد. در صورت وقف، یکی از سه حالت زیر برای حرف آخر کلمه رخ می دهد:

۱. هیچ تغییری نمی کند (وقف بدون تغییر)
 ۲. تبدیل به حرف دیگری می شود (وقف ابدال)
 ۳. ساکن می شود (وقف اسکان)
- اکنون هریک از سه حالت یادشده را تبیین می کنیم.

۱. وقف بدون تغییر

در صورت وقف بر کلمه ای که حرف آخرش ساکن و یا یکی از صداهای کشیده (ا، ی، و) باشد، کلمه بدون تغییر خوانده می شود؛ مانند:

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ
وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا
فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي
زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا



۲- وقف ابدال

واژه‌ی «ابدال» به معنای تبدیل شدن است و در وقف، تبدیل حرف آخر به حرف دیگر را گویند؛ در دو صورت، «وقف ابدال» صورت می‌گیرد؛

الف) (ة، ة) ← (ه، هـ)

کلمه‌ای که آخرین حرفش (ة، ة) باشد، هنگام وقف تبدیل به (ه، هـ) می‌شود؛ مانند:

الْقَارِعَةُ هنگام وقف خوانده می‌شود الْقَارِعَةُ

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لُغِيَّةً هنگام وقف خوانده می‌شود لَا تَسْمَعُ فِيهَا لُغِيَّةً

ب) (ـ) ← (ـِ)

کلمه‌ای که آخرین حرف آن دارای تنوین فتحه است، هنگام وقف تبدیل به الف مدی (ـِ) می‌شود؛ مانند:

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنِشَاءً ← إِنِشَاءً

وَالنَّزْعَتِ غَرَقًا ← غَرَقًا

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ← سُدًى

۳. وقف اسكان

در صورت وقف بر کلمه‌ای که حرف آخر آن دارای فتحه (ـِ)، کسره (ـِ)، ضمه (ـُ) یا تنوین کسره (ـِ) یا تنوین ضمه (ـُ) باشد، حرف آخر را ساکن می‌کنیم؛



مانند:

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ	←	يَتَسَاءَلُونَ
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ	←	هُوَ
قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ	←	هِيَ
وَالْعَصْرِ	←	وَالْعَصْرِ
فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ	←	طَعَامِهِ
أَلْهَنَكُمُ التَّكَاثُرُ	←	التَّكَاثُرُ
قِيلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرُهُ	←	أَكْفَرُهُ
لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ	←	قُرَيْشٍ
كَأَنَّهُ جُمِلَتِ صَفَرٌ	←	صَفَرٌ



علائم وقف

تاکنون شیوه‌ی وقف بر کلمات را آموختیم؛ اما باید بدانیم در همه جا نمی‌توان وقف نمود؛ بلکه باید در پایان جمله‌ای وقف کنیم که در معنای آیه خللی ایجاد نشود. برای کسانی که زبان عربی را به خوبی نمی‌دانند، دانستن معانی آیات و پی بردن به محل مناسب برای وقف، در موارد زیادی دشوار است؛ از همین رو در قرآن کریم، برای

راهنمایی قاری جهت تشخیص مکان مناسب وقف و ابتدا، علائمی قرار داده شده است؛ اکنون با این نشانه‌ها و معانی هر یک آشنا می‌شویم:

(م) : وقف لازم

م نشانه‌ی وقف و ابتدای لازم است؛ اگر در این موارد وقف صورت نگیرد، موجب خلل و فساد در معنا می‌گردد؛ مانند:

فَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

(ق) : وقف بهتر

یعنی وقف در این موضع و ابتدا به جمله‌ی بعد بسیار خوب و دارای اولویت می‌باشد؛ مانند:

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونَ

(ج) : وقف جایز

وقف در این موضع و ابتدا از جمله‌ی بعد، جایز و خوب است؛ البته وصل آن به عبارت بعد نیز جایز بوده و هیچ یک از وقف و وصل دارای اولویت نیست؛ مانند:

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

(ص) : وصل بهتر

یعنی وقف و نیز ابتدا از جمله‌ی بعد جایز است ولی وصل به جمله‌ی بعد - به علت ارتباط تنگاتنگ - دارای اولویت بوده و بهتر می‌باشد؛ مانند:



يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ^{صل} وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

(❖ ❖) : وقف معانقه

به موجب این علامت، وقف در هر دو مورد با هم جایز نیست؛ بلکه وقف در یک موضع، سبب وصل موضع دیگر می شود.

همیشه میان علامت اول و دوم، عبارتی قرار گرفته است که از لحاظ قواعد دستور زبان عربی، هم صلاحیت دارد که جزء جمله ی قبل باشد و هم می تواند جزء جمله ی بعد قرار گیرد؛ ولی در هر صورت متعلق به یکی از آنها است و نمی تواند هم زمان جزء هر دو جمله باشد؛ پس وقف در یک موضع، مانع وقف بر موضع دیگر می گردد؛ مانند:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

(لا) : وقف و ابتدای نادرست

علامت « لا » دارای دو کاربرد است:

الف) « لا » در مواردی نشانه ی وقف و ابتدای نادرست است؛ بنابراین در مواضعی که وقف بر آن، باعث خلل در مفهوم آیه می گردد از این علامت استفاده می شود؛ در این صورت ابتدا از جمله ی بعد نیز صحیح نمی باشد؛ مانند:

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ^{لا} أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

ب) « لا » در مواردی فقط نشانه ی ابتدای نادرست است؛ یعنی در صورت وقف بر این علامت، برای ابتدا باید دوباره از جمله ی قبل، آغاز و به جمله ی بعد وصل نماییم؛ مانند:

فَقِيلُوا أَيُّمَّةَ الْكُفْرِ ^{لا} إِنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ



تشخیص معنای دقیق « لا » - که نشانگر محل وقف و ابتدای نادرست است یا فقط ابتدای نادرست - فقط از طریق درک معنای آیه و تسلط بر قواعد زبان عربی، ممکن است.

بیشتر بدانیم

۱- تشدید در حالت وقف حذف نمی‌شود؛ بلکه حرف مشدد با مقداری مکث و تأکید بیشتر تلفظ می‌گردد؛ مانند:

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ

که خوانده می‌شود:

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ

۲- پیشتر دانستیم الف در آخر هفت کلمه ی (أنا، لكننا، الظنونا، الرسولا، السبيلا، سلاسلا، قواريرا) در حالت وصل ناخوانا، و در حالت وقف خوانده می‌شود؛ باید بدانیم نوع وقف در این کلمات نیز ابدال است؛ مانند:

۱- ... وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا

۲- ... وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا

۳- ... فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا

۴- ... وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا



هـ- وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ

هـ- ... أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا * لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

مهارت افزایی

سوره ی «قمر» را با بهره از تلاوت قاریان برتر استماع نموده و تلاش کنید آیات را صحیح و روان تلاوت فرمایید. (به نحوه وقف بر آخر کلمات توجه شود)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ ۝۱ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ ۝۲ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ ۝۳ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۝۴ حِكْمَةٌ بَلِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرَ ۝۵ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نَكُرٍ ۝۶ خُشْعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ



جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ
 عَسِرٌ ﴿٨﴾ كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ
 وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا رَبُّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْصِرْ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَا
 أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ ﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى
 الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١٢﴾ وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْوُجِ وَدُسِرَ
 ﴿١٣﴾ تَجْرَى بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا
 ءَايَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٥﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ ﴿١٦﴾
 وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿١٧﴾ كَذَبَتْ
 عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ ﴿١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا
 صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ
 نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ ﴿٢١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا
 الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٢٢﴾ كَذَبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٣﴾
 فَقَالُوا أَبَشْرًا مِمَّنَّا وَاحِدًا نَبِّعُهُ؟ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٤﴾



أُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ ﴿٢٥﴾ سَيَعْمُونَ
 غَدًا مِنَ الْكَذَابِ الْأَشِرِّ ﴿٢٦﴾ إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ
 فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾ وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرْبٍ
 مُخْتَضِرٌ ﴿٢٨﴾ فَادَّوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾ فَكَيْفَ كَانَ
 عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٠﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيِّحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ
 الْمُخَضَّبِ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٣٢﴾
 كَذَبَتْ قَوْمٌ لوطٍ بِالْأُنْذُرِ ﴿٣٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا عَالِ
 لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ﴿٣٤﴾ نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ
 شَكَرَ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالْأُنْذُرِ ﴿٣٦﴾
 وَلَقَدْ رَاودُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ
 ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقَرٌّ ﴿٣٨﴾ فَذُوقُوا
 عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٩﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ
 ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ جَاءَ عَالِ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا

فَأَخَذْنَاهُمْ أَخَذَ عَزِيزٌ مُّقْدِرٌ ﴿٤٢﴾ أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُولَئِكَمْ أَمْ
 لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنْتَصِرٌ ﴿٤٤﴾
 سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿٤٥﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ
 وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرٌ ﴿٤٦﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ
 ﴿٤٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ
 ﴿٤٨﴾ إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ
 كَلَمِجٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ
 مِنْ مُّدَكِّرٍ ﴿٥١﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾
 وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ ﴿٥٣﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ
 وَنَهَرٍ ﴿٥٤﴾ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْدِرٍ ﴿٥٥﴾



پرسش‌ها و تمرین‌ها

۱. چگونگی وقف بر کلمات قرآن را با ذکر مثال توضیح دهید.
۲. هنگام وقف کلماتی که حرف آخرشان مشدّد است به چه صورت ادا می‌شوند؟
الف) تشدید حذف می‌شود.
ب) تشدید حذف نمی‌شود و حرف آخر با تأکید و به صورت مشدّد ادا می‌شود.
ج) قرائت به هر دو صورت جایز است.
۳. نوع وقف در کلمات زیر را بیان فرمایید.
مَرَقُومٌ نَعِيمٌ فَكِهَيْنَ الْحَمِيدِ مُحِيطٌ مَحْفُوظٌ كَيْدًا وَالضُّحَى نَادِيَهُ
الْأَرْضُ مَا هِيَ مَوَازِينُهُ الدُّنْيَا الْأَشَقَى رَجَعَهُ رُوَيْدًا أُرْسِلُوا
۴. معنای هریک از علایم وقف زیر را توضیح دهید.
لا م ر ق ج و و ط
۵. تمرین‌های مهارتی درس را برای یکی از دوستان خود تلاوت نموده و به نقد قرائت یکدیگر بپردازید.